



استناد به این مقاله: سندی، فاطمه؛ صالحی، ایرج؛ کافی، موسی؛ رضایی، سجاد (۱۳۹۱). رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های هویت با حرمت خود در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۲ (۲)، ۴۱-۵۶.

رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های هویت با حرمت خود در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی

فاطمه سندی^۱، دکتر ایرج صالحی^۲، دکتر موسی کافی^۳، سجاد رضایی^۴
دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۲۸

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده، میزان حرمت خود و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی است. این پژوهش یک مطالعه توصیفی-مقطعی از نوع همبستگی است و ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی از دو ناحیه آموزش و پرورش شهر رشت در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و به پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامریند، سبک‌های هویت برزونسکی و حرمت خود کوپراسمیت پاسخ دادند. نتایج تحلیل واریانس یک راهه نشان داد بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت با میزان حرمت خود دانش‌آموزان رابطه معنی‌دار وجود دارد. ماتریس همبستگی نیز نشانگر رابطه معنی‌دار میان شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت بود. یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام نشان‌دهنده توانایی پیش‌بینی‌کنندگی بیشتر متغیر شیوه فرزندپروری قاطعانه در میان تمامی متغیرهای مستقل می‌باشد. نتایج نشان داد دانش‌آموزانی که تحت شیوه فرزندپروری قاطعانه پرورش یافته‌اند دارای میزان حرمت خود بالاتر و اغلب این دانش‌آموزان دارای سبک‌های هویت اطلاعاتی و یا هنجاری هستند اما دانش‌آموزان تحت شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارای حرمت خود پایین‌تر و سبک هویت سردرگم/اجتنابی هستند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، حرمت خود، سبک‌های هویت، دختران دانش‌آموز

^۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه گیلان، نویسنده مسئول msandi.psy@gmail.com

^۲ استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان

^۳ دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان

^۴ کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

مقدمه

والدین و شیوه‌های فرزندپروری آن‌ها یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت فرزندان است. شیوه‌های فرزندپروری را می‌توان در ابعاد مختلفی توضیح داد، مانند پذیرش، محبت، کنترل، مهربانی، گرمی، انعطاف پذیر بودن، محدود کردن و پرتوقع بودن (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۴۹). دیانا بامریند^۱ (۱۹۹۱)، روان‌شناس رشد، شیوه‌های فرزندپروری والدین را به سه سبک تقسیم کرده است: ۱- الگوی رفتاری قاطع و اطمینان‌بخش^۲ - الگوی رفتاری مستبد^۳ - الگوی رفتاری سهل‌گیر^۴. والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان‌بخش در امر تربیت کودک خود گرمی و کنترل زیاد، والدین مستبد کنترل زیاد و گرمی کم، والدین سهل‌گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می‌نمایند.

در دوره نوجوانی والدین و فرزندان باید بتوانند روابط تازه‌ای با یکدیگر برقرار کنند. والدین باید بتوانند نیاز نوجوان را به استقلال متناسب با سنش بشناسند و آن را تشویق کنند (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰: ۶۶۶). زیرا نوجوان در جهت بریدن از وابستگی کودکی و کسب استقلال بزرگسالی تلاش می‌کند. جستجوی هویت، نوجوان را در جهت زیرپا گذاشتن ممنوعیت‌ها و عبور از محدودیت‌ها سوق می‌دهد (وندرزندن، ۱۳۸۴: ۲۰۸). همانطور که در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده، شیوه‌های فرزندپروری متفاوت تاثیر مختلفی بر حرمت خود، هویت، خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی، انگیزه پیشرفت و سلامت هیجانی افراد دارد (بامریند، ۱۹۹۱؛ بیرس^۵ و گوسنز^۶، ۲۰۰۸؛ باقرپور و همکاران، ۱۳۸۶؛ اسمیت^۷، ۲۰۰۷؛ باردولوم^۸، ۱۹۹۰؛ ترنر^۹ و همکاران، ۲۰۰۹؛ کنی^{۱۰}، ۱۹۸۷؛ برن استین^{۱۱} و برن استین، ۲۰۰۷).

از نظر کوپراسمیت^{۱۲} (۱۹۸۱) حرمت خود عبارت است از یک قضاوت شخصی در مورد با ارزش یا بی ارزش بودن، قبولی یا عدم قبولی خود، که در نگرش فرد ظاهر می‌شود، در حقیقت شخص ممکن است خود را آن طور که مردم می‌بینند، ببیند. کوپر اسمیت معتقد است کودکانی که دارای حرمت خود بالایی هستند، والدینشان جوی فراهم می‌کنند که کودک از اضطراب و تردید رها باشد و آزادانه محیط را

¹ Diana Baumrind

² Authoritative

³ Authoritarian

⁴ Permissive

⁵ Beyers

⁶ Goossens

⁷ Smith

⁸ Bartholomew

⁹ Turner

¹⁰ Kenny

¹¹ Bornstein

¹² Coopersmith

بکاود، این والدین استقلال و اختلاف نظر را می‌پذیرند و کودکان را تشویق می‌کنند که افرادی شایسته و مسئولیت‌پذیر شوند. از نظر کوپر اسمیت والدین در شکل‌گیری حرمت خود کودکان نقش مهمی دارند. در پژوهشی که توسط بولاندا^۱ و ماجامدار^۲ (۲۰۰۸: ۲۱۰) در رابطه با والدین- فرزندان و حرمت خود نوجوانان انجام شد، نتایج نشان داد که وجود رابطه و کیفیت درگیر بودن در رابطه بین نوجوان و پدر و مادر با حرمت خود نوجوانان رابطه معنی‌دار و مثبت دارد. در پژوهش دیگری که در مورد تاثیر والدین حمایت‌گر و پرورش‌دهنده بر حرمت خود فرزندان توسط لوک^۳ و کوین^۴ (۲۰۰۸: ۴۰۸) انجام شد، نتایج نشان داد والدین حمایت‌گر و پرورش‌دهنده نقش مهمی در بهبودی و افزایش حرمت خود فرزندانشان دارند. یافته‌های پژوهش ویسینک و همکاران (۲۰۰۸: ۲۳۶) در مورد نقش واسطه‌گر حرمت خود در رابطه بین هویت قومی و مشکلات رفتاری نوجوانان نشان داد، اکثر نوجوانان اقلیت قومی که به گونه موثری به هویت قومی خود متعهد بودند و آن را تصدیق می‌کردند، دارای حرمت خود بالاتری بودند و در نتیجه سطح پایین‌تری از مشکلات رفتاری را نشان می‌دادند.

از نظر اریکسون یکی از مهم‌ترین وظایف دوران نوجوانی کسب هویت است. برزونسکی^۵ (۱۹۹۲: ۷۷۲)، الگویی فرآیندی از شکل‌گیری هویت را ارائه داد که شامل سه سبک اطلاعاتی^۶، هنجاری^۷ و سردرگم/اجتنابی^۸ می‌شود. سبک هویت اطلاعاتی مستلزم اکتشاف فعال، باز بودن نسبت به اطلاعات جدید و ارزیابی اطلاعات قبل از تصمیم‌گیری است. سبک هویت هنجاری بیشتر بر احکام، معیارها و انتظارات اشخاص مهم به ویژه والدین یا اجتماع برای تصمیم‌گیری تکیه می‌کند و سبک هویت سردرگم/اجتنابی به وسیله خودآگاهی محدود، راهبردهای تصمیم‌گیری ناسازگار و اجتناب از مسائل هویتی مشخص می‌شود. بر طبق نظر اریکسون شکل‌گیری هویت در چارچوب تجربیات بین شخصی و بیشتر در زمینه خانوادگی رخ می‌دهد (اریکسون، ۱۹۶۸: ۳۲). پژوهش‌های زیادی دیدگاه اریکسون در زمینه تاثیر خانواده و والدین در شکل‌گیری هویت نوجوان را تأیید می‌کنند. ریس^۹ و یونیس^{۱۰} (۲۰۰۴: ۵۵)، در پژوهش خود دریافتند مسائلی چون شکست در هویت به طور کلی یا فقدان وضوح در مورد خود، ممکن است ناشی از اثرات بافتی چون روابط با والدین و دوستان باشد. در پژوهش اسمیت و همکاران (۲۰۰۸: ۱۵۱)، که در

¹ Bulanda

² Majumdar

³ Luke

⁴ Coyne

⁵ Berzonsky

⁶ Information

⁷ Normative

⁸ Diffuse/Avoidant

⁹ Reis

¹⁰ Younis

مورد ابعاد فرزندپروری ادراک شده (حمایت، کنترل رفتاری و کنترل روان‌شناختی) و سبک‌های هویت برزونسکی (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی) پیرامون تعدادی از نوجوانان انجام شد، نتایج نشان داد سبک اطلاعاتی به گونه مثبت به وسیله حمایت والدین و نیز برخلاف انتظار به وسیله کنترل روان‌شناختی پیش‌بینی شد. سبک هنجاری به گونه مثبت به وسیله حمایت و کنترل رفتاری پیش‌بینی شد و سبک سردرگم/اجتنابی به گونه مثبت به وسیله کنترل روان‌شناختی و به گونه منفی با کنترل رفتاری مادر پیش‌بینی شد.

با توجه به مبانی نظری عنوان شده در ابتدای بحث در رابطه با اهمیت عملکرد و شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌توان استنباط کرد که شیوه‌های فرزندپروری والدین با پیامدهای مثبت و منفی بی‌شمار برای فرزندان همراه است و نوع ارتباط والدین و نوجوان می‌تواند در چگونگی شکل‌گیری هویت و حرمت خود نوجوان تاثیر مطلوب و یا نامطلوب داشته باشد. لذا هدف کلی این پژوهش پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا شیوه‌های مختلف فرزندپروری با میزان حرمت خود و سبک‌های هویت در نوجوان رابطه دارد.

روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری، حرمت خود و هویت در دانش‌آموزان است، این پژوهش یک مطالعه توصیفی-مقطعی از نوع همبستگی است.

جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری پژوهش را جمعیت دانش‌آموزان دختر دبیرستانی مشغول به تحصیل در نواحی یک و دو آموزش و پرورش شهرستان رشت در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ تشکیل می‌دهند. در انتخاب نمونه مورد نظر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد، بدین صورت که از دو ناحیه آموزش و پرورش یک ناحیه به تصادف انتخاب و از این ناحیه ۴ دبیرستان دخترانه دولتی و ۲ دبیرستان دخترانه غیردولتی به تصادف انتخاب گردید و با مراجعه به آن‌ها از هر پایه تحصیلی یک کلاس به تصادف انتخاب شد. با توجه به جدول کریسی^۱ و مورگان^۲ (۱۹۷۰)، ۳۷۵ نفر به عنوان نمونه شدند، که به منظور پیشگیری از افت سیستماتیک از ۴۵۰ نفر نمونه‌گیری به عمل آمد. از بین پرسشنامه‌ها ۳۷۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. این دانش‌آموزان در محدوده سنی ۱۷-۱۴ ساله قرار داشتند و

^۱ Krejci

^۲ Morgan

رشته تحصیلی در این مقطع در نظر گرفته نشده است.

ابزارهای پژوهش

۱- پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند

این پرسشنامه توسط بامریند در سال ۱۹۹۱ بر اساس نظریه وی ساخته و در سال ۱۳۷۴ توسط اسفندیاری به فارسی ترجمه شد و شامل ۳۰ گویه می‌باشد که ۱۰ گویه آن به شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و ۱۰ گویه به شیوه فرزندپروری قاطعانه و ۱۰ گویه نیز به شیوه فرزندپروری مستبدانه تعلق دارد. این پرسشنامه به شکل مقیاس لیکرت است و در مقابل هر سوال پیوستاری از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف قرار می‌گیرد. این گزینه‌ها به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش اسفندیاری (۱۳۷۴) ضریب پایایی برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای شیوه مستبدانه ۰/۷۷، و برای شیوه قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای شیوه قاطع و اطمینان‌بخش ۰/۸۳، برای شیوه مستبدانه ۰/۸۲ و برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۸۱ بدست آمد.

۲- پرسشنامه حرمت خود کوپراسمیت

این پرسشنامه توسط کوپراسمیت در سال ۱۹۶۷ ساخته شد و در سال ۱۳۷۷ توسط دادستان به فارسی ترجمه شده است. این پرسشنامه دارای ۵۸ ماده می‌باشد که دارای پاسخ بلی و خیر است و ۸ ماده از آن دروغ‌سنج هستند. در مجموع ۵۰ ماده آن به ۴ خرده مقیاس حرمت خود کلی، حرمت خود اجتماعی، حرمت خود خانوادگی و حرمت خود تحصیلی مربوط هستند. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس به شکل ۰ و ۱ است و حداقل نمره‌ای که یک فرد ممکن است اخذ کند ۰ و حداکثر نمره ۵۰ خواهد بود. ضریب آلفای کرونباخ و میزان پایایی بازآزمایی این پرسشنامه در پژوهش رحیمی‌نژاد (۱۳۸۰)، به ترتیب ۰/۹۷ و ۰/۸۵ بدست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۹۰ محاسبه گردید.

۳- پرسشنامه سبک هویت برزونسکی (ISI)^۱

این پرسشنامه توسط برزونسکی (۱۹۹۲) ساخته شد و دارای ۴۰ عبارت خبری است که برای سبک هویت اطلاعاتی ۱۱ سوال، سبک هویت هنجاری ۹ سوال، سبک هویت سردرگم/اجتنابی ۱۰ سوال و برای مقیاس تعهد نیز ۱۰ سوال در نظر گرفته شد. آزمودنی با خواندن هر سوال بر اساس یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر سوال مشخص می‌کند. برزونسکی و سالیوان^۲ در سال ۱۹۹۲، تبدیل نمرات خام به نمره Z را برای طبقه‌بندی افراد در سبک‌های هویت پیشنهاد نموده‌اند.

^۱ Identity Style Inventory

^۲ Sullivan

طبقه‌بندی افراد بر اساس بالاترین نمره خام در مقیاس، یک روش ساده به نظر می‌رسد. اما بررسی میانگین پاسخ سوال‌های سه سبک هویت (با نمرات خام) در نمونه‌های مختلف نشان می‌دهد که بیشتر افراد در طبقه سبک اطلاعاتی یا هنجاری قرار می‌گیرند. این مسئله عامل قوی پذیرش اجتماعی را نشان می‌دهد. توصیه به طبقه‌بندی افراد بر حسب بالاترین نمره Z، یکی از روش‌های کاهش این سوگیری می‌باشد و افراد بیشتری را در طبقه سردرگم/اجتنابی قرار می‌دهد که در پژوهش حاضر از این شیوه استفاده شده است (غضنفری، ۱۳۸۳).

در پژوهش آقاجانی و همکاران (۱۳۸۳) ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ برای سبک اطلاعاتی ۰/۷۳، سبک هنجاری ۰/۷۰، سبک سردرگم/اجتنابی ۰/۶۹ و تعهد ۰/۷۶ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای سبک هویت اطلاعاتی ۰/۶۲، سبک هویت هنجاری ۰/۴۸ و برای سبک هویت سردرگم/اجتنابی ۰/۷۶ محاسبه شده است. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر گویه‌های خرده مقیاس تعهد در پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی مورد تحلیل قرار نگرفت به دلیل اینکه برزونسکی آن را یک سبک هویت نمی‌داند. پیش از این در پژوهش جوکار (۱۳۸۵) نیز گویه‌های خرده مقیاس تعهد مورد تحلیل قرار نگرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر برای توصیف داده‌ها، شاخص‌های توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار به کار گرفته شد. در قسمت آمار استنباطی از آزمون‌هایی نظیر تحلیل واریانس یک راهه^۱، رگرسیون خطی گام به گام^۲، ضریب همبستگی پیرسون^۳ استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱ با در برداشتن شاخص‌های توصیفی آزمودنی‌ها، اطلاعاتی در مورد میانگین و انحراف استاندارد گروه نمونه به تفکیک دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیردولتی ارائه می‌دهد.

^۱ ANOVA

^۲ Stepwise

^۳ Pearson Correlation Coefficient

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری، هویت و حرمت خود به تفکیک دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیردولتی

انحراف استاندارد		میانگین		شاخص‌های آماری	متغیرها
غیردولتی	دولتی	غیردولتی	دولتی		
۷/۱۴	۷/۲۰	۲۸/۵۳	۲۷/۶۲	قاطعانه	
۸/۱۱	۶/۸۰	۱۵/۴۳	۱۶/۳۵	مستبدانه	شیوه‌های فرزندپروری
۷/۶۱	۶/۹۹	۱۷/۲۶	۱۶/۳۶	سهل‌گیرانه	
۵/۷۱	۶/۱۸	۳۸/۸	۴۰/۰۱	اطلاعاتی	
۴/۴۵	۴/۶۸	۳۲/۷۵	۳۲/۲۵	هنجاری	سبک‌های هویت
۷/۴۰	۶/۱۶	۲۶/۱۲	۲۴/۸۵	سردرگم	
۸/۷۱	۷/۹۳	۳۴/۲۹	۳۲/۵۸		حرمت خود

در جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای بررسی میزان حرمت خود در سه شیوه فرزندپروری نشانگر آن است که تفاوت معنی‌داری بین مقادیر حرمت خود از نظر این سه شیوه فرزندپروری وجود دارد ($F=۳۲/۴۷, P<۰/۰۰۰$). برای تعیین جایگاه تفاوت‌ها از آزمون تعقیبی شفه بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزندپروری قاطعانه و مستبدانه تفاوت معنی‌داری به نفع سبک فرزندپروری قاطعانه وجود دارد ($P<۰/۰۰۰$). همچنین بین سبک فرزندپروری قاطعانه و سهل‌گیرانه تفاوت معنی‌داری به نفع سبک فرزندپروری قاطعانه بدست آمد ($P<۰/۰۰۰$). (جدول ۲).

جدول ۲: تحلیل واریانس یک راهه مقیاس حرمت خود در دانش‌آموزان با شیوه‌های فرزندپروری متفاوت

مقدار P	نسبت F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	شاخص‌های آماری منابع واریانس
۰/۰۰۰	۳۲/۴۶	۱۷۹۶/۱۹	۲	۳۵۹۲/۳۹	واریانس بین‌گروهی
		۵۵/۳۲	۳۷۲	۲۰۵۸۱	واریانس درون‌گروهی
			۳۷۴	۲۴۱۷۳/۳۹	مجموع

برای بررسی میزان حرمت خود دانش‌آموزان در سه سبک هویت نتایج تحلیل واریانس یک راهه با توجه به نمرات Z در جدول ۳ نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین مقادیر حرمت خود از نظر این سه سبک هویت وجود دارد ($F=۱۴/۲۳, P<۰/۰۰۰$). در بررسی تفاوت میانگین مقادیر حرمت خود

براساس آزمون تعقیبی شفه مقایسه دوجه دو سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی در دانش‌آموزان نشانگر آن بود که سبک هویت اطلاعاتی نسبت به سبک هویت سردرگم/اجتنابی دارای سطوح بالاتری از حرمت خود می‌باشند ($P < 0/002$). همینطور سبک هویت هنجاری نسبت به سبک هویت سردرگم/اجتنابی دارای سطوح بالاتری از حرمت خود می‌باشد ($P < 0/0001$)، اما بین سطوح حرمت خود در دو گروه اطلاعاتی و هنجاری تفاوت معنی‌دار وجود نداشت (جدول ۳).

جدول ۳: تحلیل واریانس یک راهه مقیاس حرمت خود در دانش‌آموزان دارای سبک‌های مختلف هویت

مقدار P	نسبت F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	شاخص‌های آماری منابع واریانس
0/000	14/22	858/84	2	1717/68	واریانس بین گروهی
		60/36	372	22455/71	واریانس درون گروهی
			374	24173/39	مجموع

نتایج تحلیل همبستگی برای بررسی رابطه میان سبک‌های هویت و شیوه‌های فرزندپروری دانش‌آموزان در جدول ۴ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، بین شیوه فرزندپروری قاطعانه و سبک هویت اطلاعاتی ($r = 0/30$ ، $P < 0/01$) و سبک هویت هنجاری ($r = 0/32$ ، $P < 0/01$) همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر دانش‌آموزانی که با شیوه فرزندپروری قاطعانه پرورش یافته‌اند، نمرات بالاتری در مقیاس سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری کسب کرده‌اند. اما بین شیوه فرزندپروری قاطعانه و سبک هویت سردرگم/اجتنابی همبستگی معنی‌دار و منفی وجود دارد ($r = -0/11$ ، $P < 0/05$)؛ به عبارتی دانش‌آموزانی که با شیوه فرزندپروری قاطعانه پرورش یافته‌اند نمرات پایین‌تری در مقیاس هویت سردرگم/اجتنابی دارند. بین شیوه فرزندپروری مستبدانه و سبک هویت سردرگم/اجتنابی همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد ($r = 0/23$ ، $P < 0/05$)؛ بدین معنی که دانش‌آموزانی که با شیوه فرزندپروری مستبدانه پرورش یافته‌اند نمرات بالاتری در مقیاس سبک هویت سردرگم/اجتنابی دارند اما بین شیوه فرزندپروری مستبدانه و سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری همبستگی معنی‌داری بدست نیامد.

سردرگم را به عنوان متغیرهای منتخب برای پیش‌بینی سطوح حرمت خود دانش‌آموزان انتخاب کرده است. این چهار متغیر به تنهایی ۲۳/۵ درصد واریانس مشترک نتایج حرمت خود را تبیین می‌نماید. در این مورد ضریب بتا برای شیوه فرزندپروری قاطعانه، و سبک هویت‌هنجاری مثبت و معنی‌دار بود (۱/۰۰۰۰ P). در حالی که ضریب بتا برای متغیر سبک فرزندپروری مستبدانه و سبک هویت سردرگم منفی ظاهر شد. نتایج تحلیل هم‌خطی^۱ با توجه به آماره تولرانس^۲، پیرامون مدل نیز نشان داد که با وجود ارتباط بین متغیرهای پیش‌بین، آن‌ها هم‌خطی بالایی نسبت به یکدیگر ندارند. در این مورد هرچه مقدار تولرانس بیشتر باشد میزان هم‌خطی کمتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش میان حرمت خود دانش‌آموزان در سه شیوه فرزندپروری مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد و افرادی که با شیوه فرزندپروری قاطعانه پرورش یافته‌اند نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارای حرمت خود بالاتری هستند. نتیجه بدست آمده در پژوهش حاضر همسو و هم‌جهت با اغلب پژوهش‌های انجام شده است و پیشینه موجود در پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که فرزندپروری قاطعانه به ایجاد حرمت خود، احساس مسئولیت، سلامت روانی، توانش اجتماعی، خودمختاری و رابطه نزدیک و مثبت با فرزندان کمک می‌کند (باقرپور و همکاران، ۱۳۸۶؛ بولاندا و ماجمدار، ۲۰۰۸؛ لوک و کوین، ۲۰۰۸؛ اسمیت، ۲۰۰۷؛ سانتراک^۳، ۱۹۸۴). در پژوهش فلیگر^۴ و واسونای^۵ (۲۰۰۶: ۵۰۸)، یافته‌ها نشان داد که نزدیکی، کنترل و حمایت زیاد والدین که از ویژگی‌های فرزندپروری قاطعانه است منجر به حرمت خود بالا در فرزندان می‌شود. پارکر^۶ و بنسون^۷ (۲۰۰۴: ۵۲۷) در پژوهش خود نشان دادند که ادراک صمیمیت و نزدیکی با والدین همبستگی مثبت با حرمت خود نوجوان دارد. بنابراین یک معیار مثبت از سلامتی روان‌شناختی نوجوانان هم شامل رشد احساس استقلال هویت و هم روابط نزدیک با والدین است.

والدین قاطع و مقتدر، گرم و با محبت، مسئول، دارای روحیه همکاری و پاسخ‌گو هستند. این والدین خودمختاری و استقلال فرزندان خود را تشویق می‌کنند و برای نظرات و عقاید فرزندان خود هرچند مخالف با نظر آنان، احترام قائل‌اند. توجه مثبت به فرزندان و احترام گذاشتن به عقاید و نظرات آن‌ها،

^۱ Co-linearity

^۲ Tolerance

^۳ Santrock

^۴ Pfliger

^۵ Vazsonyi

^۶ Parker

^۷ Benson

در نظر گرفتن خودمختاری و استقلال و پرورش روحیه همکاری در فرزندان می‌تواند منجر به ایجاد کفایت، خود ارزشی، ادراک شایستگی بیشتر و در نتیجه حرمت خود بیشتر در فرزندان والدین قاطع و مقتدر شود.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد تفاوت معنی‌داری بین مقادیر حرمت خود در سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی وجود دارد و دانش‌آموزانی که دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری بودند نسبت به سبک هویت سردرگم/اجتنابی دارای سطوح بالاتری از حرمت خود بودند. اما بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری در میزان حرمت خود تفاوت معنی‌داری به دست نیامد. نتایج پژوهش حاضر از جهتی مشابه و از جهتی متفاوت با پژوهش‌های پیشین است. به عنوان مثال، در پژوهش نورمی^۱ و همکاران (۱۹۹۷: ۵۶۷) افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی نسبت به افراد دارای سبک هویت هنجاری دارای نمرات بالاتری در حرمت خود بودند. اگرچه در پژوهش لایکس^۲ و همکاران (۲۰۰۷: ۱۱۰۸) حرمت خود رابطه معنی‌داری با سبک هویت هنجاری داشته، اما با سبک هویت اطلاعاتی رابطه معنی‌داری نداشته است. نتایج پژوهشی که فیلپس^۳ و پیتمن^۴ (۲۰۰۷: ۱۰۲۱) در رابطه با سبک‌های هویت و سلامت روان‌شناختی در دانش‌آموزان دبیرستانی به انجام رساندند، نشان داد نوجوانان سردرگم/اجتنابی کمتر خوش‌بین بودند و حرمت خود پایین‌تری داشتند. این دسته از نوجوانان اظهار ناامیدی بیشتر و نگرش خودتقصیری بالاتری نسبت به نوجوانان دارای هویت اطلاعاتی یا هنجاری داشتند. یافته‌ها و نتایج ناهماهنگ در پژوهش‌های مختلف در این زمینه نشان دهنده این است که رابطه بین حرمت خود و سبک‌های هویت پیچیده است و این ممکن است بخشی وابسته به طبیعت عزت نفس باشد؛ به عنوان مثال، جنبه‌های شخصی حرمت خود (یعنی ویژگی‌های شخصی و رضایت از آن‌ها) ممکن است با سبک اطلاعاتی نسبت به سبک هنجاری بیشتر مرتبط باشد. اما افراد دارای هویت هنجاری بیشتر بر ویژگی‌های بین شخصی (یعنی نقش‌های اجتماعی و هنجاره) نسبت به ویژگی‌های شخصی تاکید می‌کنند. بنابراین ممکن است آن‌ها کمتر بر جنبه‌های شخصی حرمت خود تکیه کنند و در مقابل بر حرمت خود نشأت گرفته از روابط بین شخصی تکیه می‌کنند (اریجیت^۵ و کرپلمن^۶، ۲۰۰۹: ۱۱۴۸).

نتایج این پژوهش برای تعیین قوی‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده سطوح حرمت خود بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت نشان داد قوی‌ترین عامل پیش‌بینی کننده میزان حرمت خود بین تمامی

^۱ Nurmi

^۲ Luyckx

^۳ Phillips

^۴ Pittman

^۵ Eryigit

^۶ Kerpelman

متغیرهای مستقل، شیوه فرزندپروری قاطعانه است. در مرحله دوم مجموع شیوه فرزندپروری قاطعانه و سبک هویت هنجاری دارای بالاترین میزان حرمت خود هستند. در مرحله سوم فرزندپروری مستبدانه و در مرحله چهارم سبک هویت سردرگم/اجتنابی به متغیرهای مراحل اول و دوم اضافه شدند و دانش‌آموزانی که با شیوه فرزندپروری مستبدانه پرورش یافته‌اند و دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی هستند دارای کمترین میزان حرمت خود هستند. در تبیین این یافته که شیوه فرزندپروری قاطعانه قوی‌ترین عامل پیش‌بین میزان حرمت خود در دانش‌آموزان است می‌توان گفت خانواده محیطی است که افراد از بدو تولد در آن زندگی می‌کنند و از آن تأثیر می‌پذیرند. خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شخصیت فرزندان است و شیوه فرزندپروری که متأثر از خانواده است در شکل‌گیری رفتار و اعمال فرزندان نقش بسزایی دارد. شیوه‌های فرزندپروری قاطعانه به دلیل توجه مثبت و احترام به فرزندان همینطور در نظر گرفتن خودمختاری و استقلال آنان منجر به ایجاد احساس کفایت، خودارزشی و حرمت خود بالاتر در فرزندان می‌شود.

از دیگر یافته‌های این پژوهش رابطه معنی‌دار بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت است. بین شیوه فرزندپروری قاطعانه و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. همینطور بین شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با سبک هویت سردرگم/اجتنابی رابطه معنی‌دار به دست آمد. نتایج پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جهتی مشابه و از جهتی متفاوت با پژوهش حاضر است. اریکسون در سال ۱۹۶۸ بر نقش مهم افراد اطراف نوجوان در شناسایی، حمایت و بنابراین در شکل‌گیری هویت نوجوان تأکید دارد. نتایج پژوهش نجفی و همکاران در مورد رابطه بین کارایی خانواده و بحران هویت، بیانگر نقش و اهمیت تأثیر کارایی خانواده بر بحران هویت در نوجوان است. نقش والدین و به تبع آن عملکرد خانواده، در میزان هویت‌یابی نوجوان بسیار مهم است. والدین با دادن آگاهی و بیش به نوجوان می‌توانند آینده آنان را در اجتماع بیمه کنند و عملکرد نامطلوبشان به هر دلیل، می‌تواند نوجوان را دچار سردرگمی و بحران کند. رفتارها و تعاملات درون خانواده، پیشرفت آن‌ها را در شکل‌گیری هویت تحت تأثیر قرار می‌دهد (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۴).

نتایج پژوهش برزونسکی (۲۰۰۴: ۲۱۸) در رابطه با شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت نشان داد بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد و نوجوانان با سبک هویت اطلاعاتی، والدینشان را به عنوان مقتدر و با ارتباطات باز معرفی کردند. در این راستا برزونسکی دریافت سبک هویت هنجاری با والدین قدرت‌طلب و مستبد مرتبط است. در پژوهش دیگری آدامز^۱ و همکاران

^۱ Adams

(۲۰۰۵: ۶۳) همسان با پژوهش حاضر دریافتند، بین سبک هویتی سردرگم/ اجتنابی با شیوه‌های فرزندپروری مستبد و سهل‌گیر رابطه معنی‌داری وجود دارد و سبک هویت هنجاری به طور مثبت با شیوه فرزندپروری قاطعانه مرتبط است. در خانواده‌هایی که نقش‌ها و مسئولیت‌های هر یک از اعضا و قوانین حاکم بر محیط خانواده روشن و مناسب نیست و پیوند محکم و عاطفی بین اعضای خانواده وجود ندارد، خانواده نمی‌تواند کارکردهای خود را به طور صحیح به اجرا درآورد و اعضای آن نمی‌توانند هویت ثابت و منسجمی داشته باشند. در این راستا می‌توان بیان کرد که در شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه که رابطه منسجم، محکم و مناسبی بین والدین و فرزندان وجود ندارد طبیعتاً اعضای آن نمی‌توانند هویت ثابت و منسجمی کسب کنند و دچار سردرگمی در هویت‌یابی می‌شوند (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۴).

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده است؛ از جمله عدم همکاری مسئولین برخی مدارس بخصوص مدارس غیر دولتی، که تمایلی به تکمیل پرسشنامه‌ها توسط دانش‌آموزان نداشتند و به اصرار پژوهش‌گر حاضر به همکاری می‌شدند. همچنین پژوهش حاضر تنها در مورد دختران دانش‌آموز انجام شده و در تعمیم نتایج به پسران دانش‌آموز محدودیت دارد، پیشنهاد می‌شود موضوع پژوهش حاضر در نمونه‌های پسران اجرا شود تا امکان مقایسه بین دو جنس فراهم گردد.

به طور کلی از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه‌گیری کرد، افرادی که تحت شیوه فرزندپروری قاطعانه پرورش یافته‌اند نسبت به افرادی که تحت شیوه مستبدانه یا سهل‌گیرانه پرورش یافته‌اند دارای سطوح بالاتری از حرمت خود هستند. همین‌طور رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سبک‌های هویت نوجوانان، در پژوهش‌های مختلف اثبات شده است. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد افرادی که با شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و یا سهل‌گیرانه پرورش یافته‌اند دارای سبک هویت سردرگم و افرادی که تحت شیوه فرزندپروری قاطعانه پرورش یافته‌اند دارای سبک هویت اطلاعاتی و یا هنجاری هستند. در بررسی رابطه میان سبک‌های هویت و میزان حرمت خود نتایج پژوهش حاضر نشان داد افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و یا هنجاری نسبت به افراد دارای سبک هویت سردرگم، دارای سطوح بالاتری از حرمت خود هستند.

کتابنامه

- آفاقانی حسین آبادی، محمدحسن؛ فرزاد، ولی الله؛ شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۳). مطالعه ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه سبک هویت، طب و تزکیه، ۱۳(۲)، ۹-۱۹.
- اسفندیاری، غ (۱۳۷۴). بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی، تهران.
- باقرپور کماچالی، صغری؛ بهرامی احسان، هادی؛ فتحی آشتیانی، علی؛ احمدی نوده، خدابخش؛ احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶). بررسی رابطه الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی، علوم رفتاری، ۱(۱)، ۳۳-۴۰.
- جوکار، بهرام (۱۳۸۵). رابطه کنش سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۱(۱)، ۳۱-۴۹.
- رحیمی نژاد، ع (۱۳۸۰). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۲۸، ۴۷۷-۵۰۰.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، ۵(۱)، ۸۵-۹۴.
- ماسن، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آستا کارول؛ کانجر، جان جین وی (۲۰۰۶). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، ۱۳۸۴. تهران: مرکز.
- نجفی، محمود؛ احدی حسن؛ دلاور علی (۱۳۸۵). بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۳(۱۶)، ۱۷-۲۶.
- وندرزندن، جیمز (۲۰۰۱). روان‌شناسی رشد، ترجمه حمزه گنجی، ۱۳۸۴. تهران: ساوالان.

Adams, G.R., Berzonsky, M.D & Keating, L (2005). Identity Processing Styles and Canadian Adolescent's Self-reported Delinquency. *Journal of Identity*, 5, 57-65.

Bartholomew, K (1990). Avoidance of Intimacy: An Attachment Perspective. *Journal of Social and Personal Relationship*, 7, 147-178.

- Baumrind ,D (1991). The Influence of Parenting Style on Adolescent Competence and Substance Use. *The Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Berzonsky ,M.D (1992). Identity Style and Coping Strategies. *Journal of Personality*, 60, 771-788.
- Berzonsky ,M.D (2004). Identity Style, Parental Authority and Identity Commitment. *Journal Youth and Adolescence*, 33, 213-220.
- Beyers ,W and Goossens ,L (2008). Dynamics of Perceived Parenting and Identity Formation in Late Adolescence. *Journal of Adolescence*, 31, 165- 184.
- Bornstein ,L and Bornstein ,M (2007). Parenting Style and Child Social Development. *Encyclopedia on Early Childhood Development*, 1-4. Bulanda ,R.E and Majumdar ,D (2009). Perceived Parent-child Relations and Adolescent Self-esteem. *Journal of Child fam stud*, 18, 203-212.
- Coopersmith ,S (1981). Antecedents of Self-esteem. PaloAlto,CA: Consulting Psychologist Press. (Original Work Published 1967).
- Erikson E.H (1968). Identity, Youth and Crisis. New York Norton.
- Eryigit ,S and Kerpelman ,J (2009). Using the Identity Processing Style Q- Sort to Examine Identity Styles of Turkish Young Adults. *Journal of Adolescence*, 32, 1137-1158.
- Kenny,M.E(1987).The Extent and Fncion of Parental Attachment among First Year College Students. *Journal of Youth and Adolescence*, 16, 17- 29.
- Krejcie R.V, Morgan D.W(1970). Determining Sampel Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurment*, 30, 607-610.
- Luke ,N and Coyne ,S.M (2008). Fostering Self-esteem: Exploring Adult Recollections on the Influence of Foster Parent. *Journal of Child and Ramily Social*.
- Luyckx, K; Soenens, B; Vansteenkiste, M; Goossens, L, & Berzonsky, M.D (2007). Information-oriented Identity Processing Identity Consolidation and Well-being: The Moderating Role of Autonomy, Self Reflection and Self-rumination. *Journal of Personality and Individual Differences*, 43, 1099-1111.
- Nurmi ,J.E (1997). Identity Processing Orientation, Cognitive and Behavioral Strategies and Well-being. *International Journal of Behavioral Development*, 21, 555-570.
- Parker ,J.S and Benson ,M.J (2004). Parent-adolescence Relations and Adolescent Functioning: Self-esteem, Substance Abuse and Delinquency. *Journal of Adolescence*, 155, 519-530.
- Pflieger ,C.J and Vazsonyi ,T.A (2006). Parenting Processes and Dating Violence: The Mediating Role Self-esteem in low and high- SES Adolescents. *Journal of Cross-cultural Psychology*, 30, 742-761.
- Philips ,T.M and Pittman ,J.F (2007). Adolescence Psychological Well- being by Identity Style. *Journal of Adolescence*, 30, 1021-1034.
- Reis ,O and Youniss ,J (2004). Pattern in Identity Change and Development in Relationship with Mother and Friends. *Journal of Adolescence Research*, 19(1), 45-58.
- Santrock J.W.1984 . Adolescence: An Introduction. Dubuque, IA:Wm. C. Brown Publisher.
- Smith ,G.J (2007). Parenting Effects on Self-efficacy and Self-esteem in Late Adolescence and how those Factors Impact Adjustment to College. Annual Meeting of the Eastern Psychological Association. Philadelphia, PA March, 23-35.
- Smits ,I; Soenens,B; Luyckx,K; Duriez,B; Berzonsky, M; Goossens, L (2008). Percived Parenting Dimensions and Identity Styles:Exploring the Socialization of Adolescents Processing of Identity- relevant Information. *Journal of Adolescence*, 31, 151-164.

- Turner ,E.A (2009). The Influence of Parenting Styles, Achivement Motivation and Self-efficacy on Academic Performance in College Students. *Journal of College Students Development*, 50(3), 337-346.
- Wissink ,I.B; Dekovic, M; Yagmur, S; Geert, S; Maritte, H (2008). Ethnic Identity, Externalization Problem Behavior and the Mediating Role of Self-esteem among Dutch, Turkish- dutch and Moroccan-dutch Adolescence. *Journal of Adolescence*,31, 223-240.